



دکتر محمد جعفری

(مدیر گروه احیاء مناطق خشک و کوهستانی دانشگاه تهران)

تهیه و تنظیم:

پارمیس صیامی ممان

دانشجوی کارشناسی، مهندسی طبیعت، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران.

ایران، با داشتن تنوع آبوهوایی دارای منابع طبیعی عظیم خدادادی است که بی‌توجهی به آن‌ها، نه تنها تمامی پیشرفت‌ها در زمینه صنعتی، فنی، کشاورزی و... را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، بلکه باعث نابودی سرمایه‌گذاری‌ها، تخریب پوشش گیاهی و مراتع و بروز سیل‌های ویرانگر، فرسایش و هدررفت خاک، مهاجرت، مدفون‌شدن جاده‌ها و سایر خطوط ارتباطی، وقوع خشکسالی‌های متعدد و پرشدن مخازن سدها می‌شود و در نهایت ایجاد نابجنگاری‌های اجتماعی و نابودی بستر حیات و از بین رفتن امنیت غذایی و امنیت حیاتی را به ارمغان می‌آورد.

با توجه به اهمیت حفظ، احیاء و بهره‌برداری مناسب از منابع طبیعی، به منظور تربیت نیروی متخصص در زمینه مدیریت مراتع، آبخیزها و بیابان‌های کشور، گروه مهندسی احیاء مناطق خشک و کوهستانی در سال ۱۳۴۵ هجری شمسی راه‌اندازی گردید. در سال‌های اخیر با توجه به افزایش دخالت‌های انسانی و تغییر شرایط اقلیمی نیاز به گسترش علمی این رشته و پاسخ‌گو کردن علم به نیازها و درخواست‌های اجتماعی، فعالیت‌ها در سه بخش مرتع‌داری، آبخیزداری و بیابان‌زدایی ساماندهی گردید.

خودتان را معرفی بفرمائید.

به نام خدا بنده محمد جعفری، متولد روستایی از قم بخش کهک هستم. دوران دبستان و راهنمایی را در استان قم، دبستان ثنایی و مدرسه راهنمایی جام جم گذراندم. دوران دبیرستان را که ۲ سال اول عمومی بود در دبیرستان شهریار و ۲ سال آخر را در دبیرستان حکیم نظامی سپری کردم. معدل دیپلم بنده ۳۱/۱۹ کتبی بود، و سعی می‌کردم دانش‌آموزی باشم که به وظایف خود در آن دوران عمل کند. در سال ۱۳۵۷ دیپلم گرفتم و به غیر از درس سعی می‌کردم در مسائل فرهنگی، سیاسی و مذهبی هم حضور داشته باشم.

آیا از ابتدا هدف شما تحصیل و فعالیت در حوزه منابع طبیعی بود؟

بنده در ۲ یا ۳ سالگی پدر خود را از دست دادم و روی پای خود ایستادم. بعد از اینکه دیپلم گرفتم همه انتظار داشتند که پزشکی قبول شوم، چون پزشکی در زمان ما از اهمیت بالایی برخوردار بود و معدل کتبی دیپلم بنده نیز بالا بود و شاگرد اول یا دوم بودم، ولی آن چیزی که باعث شد من این رشته را بخوانم یکی از دبیران بنده بود. ما دبیری به نام آقای صابری (دبیر شیمی) داشتیم، زمانی که متوجه شدند من دانشگاه قبول شدم، فرمودند همین رشته را ادامه بده و مطمئن هستم دکتری را هم می‌خوانی و بنده گفتم که این رشته تا لیسانس بیشتر نیست، ولی آقای صابری تا دم منزل ما آمدند که رشته دیگری نروم و خودشان از بهترین دبیران کشور هستند. سال ۱۳۵۷ که انقلاب شد ما ۲ - ۳ سال تعطیل بودیم ولی در این دوران تعطیلی ما کار می‌کردیم، به روستاها می‌رفتیم و به مردم کمک می‌کردیم و از هیچ‌کاری دریغ نمی‌کردیم. بنده لیسانس و فوق لیسانس را در دانشگاه تهران قبول و اول شدم، آزمون تربیت مدرس هم شرکت کردم و دانشگاه تهران را کنار گذاشته و به تربیت مدرس رفتم.

انتخاب و ادامه تحصیل در دانشگاه تربیت مدرس علت خاصی داشت؟

تربیت مدرس را به این دلیل که دست دانشجو برای انتخاب استادش باز بود انتخاب کردم، یعنی شما می‌توانستید استاد را تغییر و انتخاب کنید. زمانی که من قبول شدم یکی از کارهایی که انجام می‌دادم این بود که در تابستان کارهای اجرایی و تحقیقاتی می‌کردم. بنده خیلی به کارهای پروژه‌ای علاقه‌مند بودم و هر پروژه‌ای را به بنده سپرده و تکمیل می‌کردم.

روند ادامه تحصیل تان در خارج از کشور به چه نحوی بود؟

بنده برای دکتری از استرالیا، فرانسه و آمریکا پذیرش داشتم ولی به پیشنهاد آقای دکتر مخدوم به استرالیا رفتم، چون اساتید دانشجو را وادار به جست‌وجو در مورد علم، دانش و تحقیق می‌کردند. بعد از گذراندن ۱۲ واحد وارد ریسرچ (research) شدم. ریسرچ در استرالیا بسیار سخت است به اینگونه که من ۹ ماه کار کردم که متوجه بشوم روی چه چیزی کار خواهم کرد و تحقیق در استرالیا به این صورت است که باید یکی از مشکلات استرالیا را حل کنیم.

در مورد مسئولیت‌های دانشگاهی خودتان بفرمائید.

پس از گرفتن دکتری تا ۴ سال مسئولیتی قبول نکردم، در سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ اولین مسئولیت بنده این بود که مدیر گروه شدم، سپس به مدت ۳ سال معاون پژوهشی دانشکده منابع طبیعی و سپس با انتخابات، رئیس دانشکده شدم. در طول کار سعی کردم تمامی دانسته‌ها را به کتاب تبدیل کنم و هم اکنون نتیجه این تفکر ۲۵ جلد کتاب است.

نظر شما در مورد سطح آگاهی مردم در مورد منابع طبیعی چیست؟

چون نیاز مردم از منابع طبیعی تامین می‌شود، ما هرچه مردم را خوب توجیه کنیم و فوایدش را به آن‌ها بگوییم مردم بیشتر دفاع خواهند کرد. وقتی مردم در بعضی موارد دوگانگی‌ها را می‌بینند ناراحت می‌شوند. به عنوان مثال اگر منابع طبیعی مهم است پس چرا محافظت نمی‌شود؟ بنابراین مردم آگاه هستند و چون نیازها از منابع طبیعی تامین می‌شود و ما نمی‌توانیم نیازهای مردم را تامین کنیم برخی مسائل پیش می‌آید.

به نظر شما راه حل رفع این مشکل چیست؟

ما باید مناطقی را به عنوان مناطق فرهنگی تشکیل دهیم؛ یعنی مکان‌هایی را مشخص کنیم که خوب محافظت شده و مناطقی که محافظت نشده، که مردم مقایسه کنند و عیناً ملاحظه کنند. زمانی که ما کار تبلیغاتی نکردیم و نیاز مردم را که از منابع طبیعی است تامین نکنیم مردم چاره‌ای ندارند و همین طور برخورد خواهند کرد. برای هر کاری باید نمونه‌ی عملی ایجاد شود. مسئله‌ی بعدی مسئله مالکیت است، اگر مردم حس مالکیت نسبت به منابع طبیعی داشته باشند و بدانند که برای خودشان است، بیشتر مراقبت خواهند کرد. یک سری افراد هستند که از روی دانش بومی روی برخی مسائل کار کرده‌اند که نباید از آن‌ها غافل شویم و باید بر روی صحنه بیاوریم، زمانی که آموزش گذاشتیم باید از خود افراد انتخاب شوند.

وضعیت کنونی منابع طبیعی ایران را چگونه می‌بینید؟

وضعیت منابع طبیعی ایران را نه می‌توان گفت خیلی خیلی بد است و نه می‌توان گفت خیلی خیلی خوب است؛ در وضعیت متوسط مایل به ضعیف قرار گرفته‌ایم.

راه حل چیست؟

در این شرایط کاری که باید انجام داد این است که برخی مناطق را به عنوان الگو حفظ کنیم و احیا کنیم که اگر خواستیم کار احیایی انجام دهیم به اصل آن مراجعه کنیم.

به نظر شما وظایف حکومت برای احیاء و حفظ منابع طبیعی کشور چگونه است؟

اولین وظیفه‌ی دولت این است که منابع طبیعی را به دست متخصصین بسپارند؛ بنده یک تحقیقی انجام دادم با دانشجوی دکتری که متأسفانه ۶۰ درصد منابع طبیعی دست غیرمتخصصین است. دولت باید در تمامی کارهایی که به یک طریقی به دخالت در طبیعت منجر می‌شود یک کارشناس منابع طبیعی بگذارد. بنابراین منابع طبیعی باید به افراد منابع طبیعی سپرده شود.

چه توصیه‌ای برای دانشجویان دارید؟

امروزه به برخی از دانشجویان می‌گوییم که چرا درس نمی‌خوانید، و آن‌ها می‌فرمایند امکانات نداریم؛ با اینکه کل زندگی ما در یک اتاق ۱۲ متری بود که همه چیز در آن بود و یک خانواده ۳ - ۴ نفری در یک اتاق زندگی می‌کردیم.

حقیقتاً بعد از گرفتن کارشناسی می‌خواستم کار کنم و ادامه تحصیل ندهم و سال ۱۳۶۴ سازمان جنگل‌ها آزمونی برگزار کرد که آزمون را شرکت کردم، قبول شدم و استاد درس آمار که آنجا بود بعد از امتحان ما را خواست و فرمود که چون معدل بالایی دارید باید ادامه تحصیل بدهید و من را وادار کردند که ادامه تحصیل بدهم و فوق‌لیسانس بخوانم. بعد از آن به اصرار دوستان و همکاران دکتری را نیز خواندم، با اینکه در ابتدا تصمیم نداشتم ولی بعد از ورود خوب خواندم.

در مورد کتاب تازه منتشر شده‌ی خود با عنوان، کنترل فرسایش خاک در مناطق خشک، در اشپری‌نگر بفرمائید.

حقیقتاً سعی می‌کنم در کتاب‌هایی که می‌نویسم از همه افراد استفاده کنم؛ از دانشگاه، از تحقیق تا اجرا.

ما باید علم خود را به رخ کشورهای دیگر بکشیم؛ همان‌طور که ما از علم دیگران استفاده می‌کنیم باید آن‌ها هم استفاده کنند. ما ۲ سال پیش روی مناطق خشک کاری انجام داده بودیم که تصمیم گرفتیم آن را به زبان انگلیسی برگردانیم که مورد استقبال واقع شد. سپس متوجه شدیم که روی بحث فرسایش خاک حرفی برای گفتن داریم.

علیرغم این که جز کشورهای هستیم که فرسایش و تخریب در کشور زیاد وجود دارد، هدف ما از این کار این بود که نشان دهیم ما الگوهایی برای حفاظت خاک داریم ولی یک مقدار مسائل اجتماعی و اقتصادی برای اجرای این موارد مانع است و شاید جنبه‌ی دوم معرفی دانشگاه تهران باشد و به عنوان دانشگاهی که همکارانش می‌توانند در این زمینه قدم‌هایی بردارند.

این کتاب بیشتر به روش‌های بیولوژیک مقابله با فرسایش اشاره کرده است و هدف نشان دادن روش بیولوژیک و زیستی است. در این کتاب از پژوهشکده آبخیزداری استفاده کردیم و تقریباً یک گروه ۵ نفری ایجاد شد که همانند پازل هرکدام از این ۵ نفر نبود این کتاب نوشته نمی‌شد.

